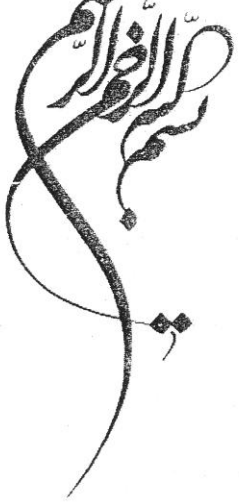
بسم الله الرحمن الرحيم

دانشکده ی هنر ومعماری

پایان نامه کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی

تحلیل شیوه ی روایت گری نمایشی در هفت داستان تاریخ بیهقی

پروژه ی عملی

نگارش نمایشنامه ی "هی!ما هنوز زنده ایم"

رضا سعیدی ورنوسفادرانی

استاد راهنما:

دکتر سید مصطفی مختاباد

استاد مشاور:

دکتر سید حبیب الله لزگی

خرداد ۱۳۸۹

آیین نامه چاپ پایان‌نامه (رساله)های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله)های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه،دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می‌شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله)ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثارعلمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته ***ادبیات نمایشی*** است که در سال **۱۳۸۹** در دانشکده هنر ومعماری دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی ~~سرکار خانم~~/جناب آقای دکتر **مصطفی مختاباد**، مشاوره ~~سرکار خانم~~/جناب آقای دکتر **حبیب الله لزگی** ،از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه‌های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت‌چاپ) را به «دفتر نشر آثارعلمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می‌تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر درمعرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت‌مدرس‌ل تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می‌تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می‌دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب **رضا سعیدی ورنوسفادرانی** دانشجوی رشته **ادبیات نمایشی** مقطع **کارشناسی ارشد** تعهد فوق وضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: رضا سعیدی ورنوسفادرانی

تاریخ و امضا:

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب ***رضا سعیدی ورنوسفادرانی*** دانشجوی رشته ***ادبیات نمایشی*** ورودی سال تحصیلی***۸۶-۱۳*** مقطع ***کارشناسی ارشد*** دانشکده ***هنر ومعماری*** متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا:.....

تاریخ: .....

تائیدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

... نسخه نهایی پایان نامه آقای **رضا سعیدی ورنو سفادراتی** تحت عنوان **بررسی شیوه ی روایت در هفت داستان تاریخ بیهقی – پروژه عملی: نگارش نمایشنامه : « ما هنوز زنده ایم»** را از ... بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی‌ارشد تائید می‌کنند.

	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
... هیات داوران ... راهنما	دکتر سید مصطفی مختاباد	دانشیار	
... مشاور	دکتر سید حبیب الله لزگی	استادیار	
... داور	دکتر علی شیخ مهدی	استادیار	
... داور	دکتر محمد جعفر یوسفیان کناری	استادیار	
... تحصیلات تکمیلی	دکتر علی شیخ مهدی	استادیار	

تقدیم به

خواهرم سارا

که بودنش همهٔ دنیای من است

با تشکر از:

جناب آقای دکتر سید مصطفی مختاباد استاد راهنمای محترم

جناب آقای دکتر سید حبیب الله لزگی

سرکار خانم اسکندری و همکاران ادارۀ پژوهش

جناب آقای فخری کارشناس محترم گروه ادبیات نمایشی

چکیده

پژوهش حاضر، به تحلیل روایت نمایشی در تاریخ بیهقی با نگاهی به هفت داستان از این کتاب،می‌پردازد. در فصل اول به طور مختصر واژه‌های درام و روایت تعریف شده است و در پایان هر بخش از این فصل از تاریخ بیهقی مثال‌هایی آورده شده است.تاریخ بیهقی را نمونهٔ کامل بلاغت طبیعیِ زبان فارسی به شمار آورده‌اند. بلاغت در آثار ادبی،باعث اثر گذاری بر مخاطب می‌شود؛ و آن‌چه بیهقی را از سایرین متمایز ساخته دغدغهٔ او برای اثرگذاری بر خوانندگان است. بیهقی در کنار دقت و سواسی که در بازتاب دادن واقعی رویدادهای تاریخی دارد،به خوانندگانِ کتابش نیز می‌اندیشد.مخاطب اندیشی بیهقی موجب شده است تا او برای ایجاد کشش و همچنین برای باور پذیر کردن محتوای کتابش از شگردهایی بهره جوید. این شگردهای در عصر بیهقی از ویژگی‌های داستان‌نویسی محسوب نمی‌شده‌اند، اما امروز،در بعضی از مکتب‌های ادبی جهان،به رسمیت شناخته‌شده‌اند. هرچند میان تاریخ و داستان و نماشنامه تفاوت‌های فراوانی قایل شده‌اند؛می‌توان، با استفاده از بعضی اصول مکتب‌های ادبی رئالیسم و ناتورالیسم،حوادث واقعی تاریخی را در قالب رمان‌ها یا نمایشنامه‌های جذاب،عرضه‌کرد.آن‌چه شیوهٔ روایت تاریخ بیهقی را از دیگر تاریخ نویسان مجزا می‌کند، دقت در جزئیات، توصیف تفصیلی فضای صحنه‌ها،استفاده از دیالوگ، و همچنین بهره بردن از تک‌گوییِ نمایشی است و این دلایل باعث شده است که روایتِ تاریخ بیهقی روایتی دراماتیک باشد .

کلید واژه‌ها

تاریخ بیهقی، رئالیسم،ناتورالیسم ، درام، روایت، دراماتیک، ابوالفضل‌بیهقی

فهرست مطالب صفحه

مقدمه 1

فصل اول:روایت دراماتیک؛تعاریف و مفاهیم 8

1-1 تعریف واژۀ دراماتیک 9

1-2طرح 10

1-3 تفاوت طرح و داستان 11

1-4 شخصیت 12

1-5 دیالوگ 19

1-6 فضاسازی 22

1-7 اندیشه 24

1-8 طعن دراماتیک 26

1-9 زاویۀ دید 29

1-10 کشمکش دراماتیک یعنی چه؟ 30

1-11 تنش دراماتیک 31

1-12 روایت چیست؟
32

پی نوشت‌ها 38

فصل دوم: تحلیل شیوهٔ روایتگری نمایشی در داستان بر دار کردن حسنک وزیر
39

فصل سوم:تحلیل شیوهٔ روایتگری نمایشی در داستان افشین وبودلف 64

فصل چهارم:تحلیل شیوهٔ روایتگری نمایشی در داستان‌های وزارت احمد حسن میمندی و
مالیدن بوبکر حصیری
83

4-1روایت دراماتیک در داستان وزارت احمد حسن میمندی
94

4-2روایت دراماتیک در داستان مالیدن بوبکر حصیری
102

فصل پنجم:تحلیل شیوهٔ روایتگری در داستان خیشخانه، سرگذشت امیرعادل سبکتگین، حکایت امیر عادل سبکتگین با آهوی ماده،حکایت موسی با برهٔ گوسپند
108

5-1روایت دراماتیک در داستان خیشخانه
116

5-2 روایت دراماتیک در سه داستان سرگذشت امیرعادل،حکایت امیرعادل سبکتگین با آهوی ماده، حکایت موسی با برهٔ گوسپند
118

نتایج
121

منابع
125

پروژهٔ عملی: نمایشنامهٔ هی! ماهنوز زنده‌ایم
129

چکیدهٔ انگلیسی

193

مقدمه

تاریخ بیهقی از جمله تک آفرینش‌های ادبی و تاریخی زبان فارسی است، که به رغم اهمیتش مورد بررسی جدید جامع علمی ـ ادبی قرار نگرفته است. تعهد نویسنده به امر واقع و حقیقت پژوهی وی، همراه با اندیشه جزءگرایانه و استقرائی، اثرش را به شاهکاری تاریخی بدل کرده است. این مجموعه، در برگیرنده سلسله وقایع معین تاریخی همراه با جزئیات است، که جنبه روایی اثر را به بافتی داستانی بدل ساخته و علت این امر، پیش از هر چیز ماهیت زبان نویسنده در استفاده از سه ابزار مهم روایی Narrative گفتگو و توصیف نظری و نشان دادن است.

بیهقی به عنوان نویسنده‌ای واقعگرا، گاهی برای تفهیم بیشتر موضوع یا تشریح اهداف آرمانگرایانه خود، به بیان جزئیات از طریق حکایتی تمثیلی یا واقعی می‌پردازد. از این رو، چهارچوب روایی اثر او، بیشتر چند ساختاری و ساختار در ساختار Frame story می‌شود که ترکیبی از روایت اصلی تاریخی و روایتهای خردتر ،حکایت تمثیلی، و در واقع، همان الگوی داستان‌پردازی شرقی است،که بیهقی در ترسیم حوادث تاریخی عصرش از آن بهره برده است. که این پژوهش به بررسی این شیوهٔ روایت در برخی از داستان‌های ***تاریخ بیهقی*** خواهد پرداخت.

بیهقی در کنار دقت و سواسی که در بازتاب دادن واقعی رویدادهای تاریخی دارد،به خوانندگانِ کتابش نیز می‌اندیشد. مخاطب اندیشی بیهقی موجب شده است تا او برای ایجاد کشش و همچنین برای باور پذیر کردن محتوای کتابش از شگردهایی بهره جوید. این شگردهای در عصر بیهقی از ویژگی‌های داستان‌نویسی محسوب نمی‌شده‌اند، اما امروز،در بعضی از مکتب‌های ادبی جهان،به رسمیت شناخته‌شده‌اند.

در موردِ شرح دقیق حوادث و اتفاقات، تنها اثری که تا حدودی به تاریخ بیهقی شباهت دارد،***سفر نامهٔ*** "ناصر خسرو" است، که در آن،تمامی مشخصات و حس و حال خود نویسنده آمده است.

«...اکنون صفتِ شهر بیت‌المقدس کنم: شهری است بر سر کوهی نهاده و آب نیست مگر از باران، و به رستاق‌ها چشمه‌هایِ آب است، اما به شهر نیست. چه شهر بر سر سنگ نهاده‌است. وشهری بزرگ است که آن‌وقت که دیدیم بیست‌هزار مرد در وی بودند و بازارهای نیکو و بناهای عالی. و همهٔ شهر به تخته سنگ‌ها

فرش انداخته، و هرکجا کوه بوده‌است و بلندی،بریده‌اند و هموار کرده،چنان‌که چون باران بارد همهٔ زمین پاکیزه شسته شود....»(ناصر خسرو،1381،ص 37)

بیهقی، اخبار گذشته را دو قسمت کرده است « یا از کسی بباید شنید یا از کتابی بباید خواند،که شرط آن است که گوینده و نویسنده ثقه و راستگو باشد و نیز خرد گواهی دهد که خبر درست است و کلام خدا آن را نصرت دهد که گفته اند:لا تستقیم الاخبار ما لا تستقیم و فیه رای. و کتاب چنان است که هر چه خوانده آید از اخبار،خود آن را رد نکند شنونده آن را باور دارد....»(***تاریخ بیهقی،*** 1387، ص771)

جنبه دیگر این اثر، نو اندیشی ادبی آن است که با وجود سودای پرهیز از تعصب، تحریف و دروغ پردازی نویسنده، از جنبه نوشتاری آن نکاسته است.

«...در تاریخی که می‌کنم سخنی نرانم که آن به تعصبی و تزیُّدی کشد، و خوانندگان این تصنیف گویند: شرم باد این پیر را! بلکه آن گویم که تا خوانندگان با من اندر این موافقت کنند و طعنی نزنند».(***تاریخ بیهقی،***1387،ص 209)

"توماس هاردی"،نویسندهٔ انگلیسی، برای لذت‌بخشی روحی داستان یا رمان،دو ویژگی برشمرده است: «باورپذیری و تاثیرگذاری». وقتی داستانی قابل باور باشد،بی گمان تأثیر گذار هم خواهد بود. تاریخ بیهقی از این دو نظر موفق‌ترین تاریخ‌هاست.او بر اثری کاملاً واقع‌گرا تأکید ورزیده؛البته نه در حرف.

تاریخ بیهقی در واقع رمانی به هم پیوسته است که از مرگ "محمود غزنوی" شروع شده است.دربار پر از تنش محمود با مرگ وی به صحنه ی جنگ قدرت تبدیل می شود.عده ای معتقد به سلطنت "امیر محمد"،پسر کوچک محمود بودند و عده ای طرفدار سلطنت مسعود،پسر بزرگ‌تر محمود.خود محمود گویا می‌خواست امیر محمد را جانشین خود کند،اما این تمایل به صورت فرمان در نیامد؛چرا که بر اساس سنت،پسر بزرگ باید جانشین شاه می شد.از سوی دیگر،مسعود قبل از مرگ پدرش،از قدرت نفوذ کافی در دربار برخوردار بود.(گره،تعلیق و فضای داستانی).

مجلدات به هم پیوسته ی تاریخ بیهقی،توسط مرحوم فیاض، سروسامان گرفته‌اند.متن اصلی آن‌ها حدود هشتصد صفحه است. در واقع،آن‌چه به نام ***تاریخ بیهقی*** عرضه شده،فقط یک ششم کاری است که بیهقی کرده است.یعنی حدود پنج جلد از سی جلد بیهقی.از آن‌چه اکنون در دست نیست،خبری نداریم،اما تردیدی نیست که در آن‌ها نیز هنر نمایی‌های متعددی کرده است(به قیاس بخش‌های باقی‌مانده.)

بیهقی تاریخ را مانند پاره ای از زمان می داند که با هستی اش گره خورده است . بنا براین شناخت تلقی روایت از نظر بیهقی در حقیقت دست یافتن به هستی شناسی بیهقی است . او برای این که چرخش زمان را نشان بدهد ناگزیر از روایت است . پس هر مورخ یک راوی است .

درگیری بیهقی با زمان در حال روایت ، اثر او را از آثار تاریخی دیگر جدا کرده و آن را تبدیل به یک اثر ادبی می کند . درک خواننده فقط از لابلای بازی‌های زبان شناسی و بلاغی نیست ، بلکه عناصر زبانی و فرا زبانی با درک شهودی و زبانِ فراترْ رفته از واقعیت ، عجین است . در نتیجه ، روایت بیهقی از زمان و گذشته ، فعالانه است نه منفعلانه .

بیهقی بین روایت و تاریخ مرز قائل نیست . با توجه به وقایعی که بیان می کند ، زبانش تراژیک ، حماسی یا دراماتیک می شود . تأثیر گذاری زبان او به دلیل ریشه داشتن بلاغت و زبان در هستی اش است ، مورخان دیگر در این هستی با او شریک نیستند ، در نتیجه نثر او بی تقلید می ماند .

شعله‌ور بودن زبان بیهقی از جنبه ای قابل مقایسه با زبان نثر عارفانه است ، چرا که در نثر عارفانه هم واگویی هستی شناختی در کار است . می‌توان گفت که او به خاطر گذشته اش به تاریخ نویسی روی می‌آورد و همین امر کتابش را بین مرز تاریخ و واقعیت معلق نگاه داشته است . حسن این کتاب در این است که تاریخ با راوی یگانه و هم سن است .

هر مورخ در گزینش وقایع از استراتژی ویژه‌ای پیروی می کند که حاصل تلقی او از نظم و معنای تاریخ است. نظم این حوادث باز به نوع روایت وابسته است . این روایت جهان بینی بیهقی را نمایان می کند . مثلاً

شرح بیهقی از مراسم عزاداری سلطان محمود در چند جمله خلاصه می شود در حالی که در تراژدی حسنک روایت به کندی می گذرد .

بیهقی شکل ها و چرخش روایت را می داند و به همین دلیل تاریخ بیهقی را یکی از مهم ترین منابعی می‌دانند که از شگرد های داستان نویسی استفاده کرده است.

بیهقی فقط احوال پادشاهان را ذکر نمی کند ، بلکه به نقل احوال بزرگان نیز می پردازد . ظاهراً در زمان او نقل جزئیات را اقاصیص می خوانده‌اند وآن را سزاوار تاریخ نمی دانستند ، اما بیهقی با این عقیده مخالف است . از امتیازات او توصیف ظاهر و درون اشخاص است که در مشرق زمین نادر است .

زبان قصه های قدیم بیشتر به گزارش شبیه است تا داستان . نثر بیهقی ویژگی های داستانی دارد و هنری‌تر از قصه های قدیم است . زبان این کتاب بیشتر تحت تأثیر محاورهٔ قرن چهار و پنج نواحی خراسان قرار دارد تا نوشته های حتی مرسل آن دوره . آهنگ و روال محاوره‌ای نثر بیهقی ، چیزی از ویژگی‌های نثر محاوره‌ای امروز کم ندارد و هیچ‌گاه نمی توان آن را با نثر مقاله‌ای و گزارشی و علمی یکسان پنداشت . لحن کلام عامل مهمی در معرفی شخصیت هاست . چگونگی لحن و یکدستی نثر در تاریخ بیهقی از ویژگی های مثبت آن است با توجه به زمان تالیف آن مایهٔ شگفتی است .

نحوهٔ ترکیب در ***تاریخ بیهقی*** به نوعی است که خواننده واقعی بودن اثر را حس می کند . خواننده با راوی همراه است وبا او دچار احساسات متفاوت می شود . ***بیهقی*** در روایت نهایت ایجاز را رعایت می‌کند. در مدح و مداهنه هرگز راه اغراق نمی‌پوید.

هرچند میان تاریخ و داستان و نماشنامه تفاوت‌های فراوانی قایل شده‌اند؛می‌توان، با استفاده از بعضی اصول مکتب‌های ادبی رئالیسم و ناتورالیسم،حوادث واقعی تاریخی را در قالب رمان‌ها یا نمایشنامه‌های جذاب،عرضه‌کرد.آن‌چه شیوهٔ روایت تاریخ بیهقی را از دیگر تاریخ نویسان مجزا می‌کند، دقت در جزئیات،

توصیف تفصیلی فضای صحنه‌ها،استفاده از دیالوگ، و همچنین بهره بردن از تک‌گوییِ نمایشی (dramatic monologue) است.

این پژوهش، به بررسی شیوهٔ روایت‌گری نمایشی ،در هفت داستان از *تاریخ بیهقی* می پردازد. انتخاب داستان وزارت احمد حسن میمندی و مالیدن بوبکر حصیری، به این دلیل بود که روایت دراماتیک در داستانی صرفاً تاریخی بررسی شود؛ انتخاب داستان بردار کردن حسنک وزیر و افشین و بودلف و خیشخانه به دلیل، شباهت آن‌ها به نمایشنامه، بوده است؛و سه حکایت پیاپی به دلیل شیوهٔ روایت شرقی، و استفاده از شگردهای نمایش ایرانی ـ قصه در قصه ـ بوده است.

بیان مسئله

با توجه به اینکه تاریخ *بیهقی* یکی از شاهکارهای ادبیات فارسی است اما به خاطر این‌که به نام کتابی تاریخی معرفی شده، کمتر موردِ بررسی قرار گرفته است. در حالی که شیوهٔ روایت در این کتاب با کتب تاریخی دیگر متفاوت است. در بسیاری از داستان‌های او،عناصر دراماتیک نظیر دیالوگ، فضا سازی، شخصیت‌پردازی دیده می‌شود. به همین خاطر در این پژوهش به بررسی روایت دراماتیک در هفت داستان تاریخ بیهقی پرداخته شده است.

پرسش‌های پژوهش

1. آیا تاریخ بیهقی کتابی صرفا تاریخی است؟
2. چه مشخصاتی در این کتاب است که آن را با دیگر کتب تاریخی متمایز می‌کند و باعث جذابیت تاریخ برای مخاطب می‌شود
3. آیا تاریخی بیهقی را می‌توان یک رمان تاریخی خواند؟
4. آیا در تاریخ بیهقی، جنبه‌های نمایشی وجود دارد؟

فرضیه‌ها/پیش‌فرض‌ها

فرضیه‌هایی که این پژوهش بر پایه آن شکل گرفته است عبارتند از:

1. ابوالفضل *بیهقی* به طور کاملاً آگاهانه، از شیوه‌ها و شگردهایی برای جذب مخاطب و جذاب تر کردن تاریخش استفاده کرده است.
2. تاریخ بیهقی را می‌توان یک رمان تاریخی جذاب خواند.
3. روایت در تاریخ بیهقی بیهقی روایتی دراماتیک است، طوری‌که بسیاری از داستان‌های آن را می‌توان با اندکی تغییر،تبدیل به نمایشنامه کرد.

روش تحقیق

این پژوهش به صورت تحلیلی و توصیفی انجام شده و از منابع و مستندات موجود در کتاب‌خانه‌ها سود برد است.

فصل اول

روایتِ دراماتیک

تعاریف و مفاهیم

1-1 تعریف واژهٔ دراماتیک

واژه هایی مثل "درام" و "دراماتیک" ، از اینکه اصطلاحاتی صرفاً توصیفی و خنثی ـ درام : نمایشنامه،دراماتیک: خصلت نمایشنامه‌هاـ باشند فراتر می روند و داخل سنت غالب،در جهت اثبات یا نفی آن،معناهای مستحکمی پیدا می‌کنند.در مطالعهٔ نقد جدید آن‌چه به‌ویژه در خور توجه است، تداومی است که در استفاده از صفت "دراماتیک" برای ارجاع به ادبیاتی غیر از ادبیات نمایشی – طنز دراماتیک در "چاوسر"[1]،داستان همچون شعری دراماتیک ،زبان دراماتیک در اشعار "دان"[2] و امثال اینها-به کار رفته است. (داوسن،1377،ص4)

درنقد امروزی بین واژه ی "دراماتیک" و مجموعهٔ کامل اصطلاحات دیگر ـ برای مثال "موقعیت" "واکنش"،"تنش"،"انضمامی"و "ارائه"ـ با تاکید بی سابقه (به لحاظ تاریخی) روی طنز و اهمیت محوری استعاره، پیوندی حیاتی برقرار است.

واژهٔ درام در یونانی صرفاً به معنایِ کنش Action است. درام،کنشی تقلیدی است،کنشی برای تقلید و یا بازنمایی رفتار بشر.(اسلین،1379،ص15)

توصیف ارسطو از درام، به عنوان تقلید یک کنش در قالب زبان یا گفتار،شامل ساختارهای بسته‌ای از زمان وفضا و مجموعهٔ مشخصی از شخصیت‌ها و مفاهیمی نظیر کاتارسیس و هامارتیا،دست کم از دورهٔ رنسانس همچون قاعده یا هنجار برای متون دراماتیک تلقی شده است. این مطلب دربارهٔ نظریه‌های دراماتیک قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم نیز صادق است. در این نظریه‌ها، با اتکا به تراژدی کلاسیک، درام رنسانس اروپایی و نمایشنامه‌های مکتب کلاسیسیم آلمان و فرانسه تقابل یا کشمکش به عنوان ذات یا جوهر درام شناخته می‌شد.

ارسطو تراژدی را شامل 6 عنصر می‌داند که در این بخش به تشریح این‌عناصر خواهیم پرداخت.

1-2 طرح

اصطلاح طرح یا به یونانی "میتوس"[6]،به انگلیسی "پلات"[7] به فرانسه "پلان"[8] و به فارسی "پیرنگ" "افسانه مضمون" ، "داستان" ، "طرح و توطئه" برای نخستین بار در ***فن شعر*** ارسطو به کار رفت و معناهای گوناگونی به خود گرفت.

«طرح -چگونگی ترکیب وقایع- مهمترین قسمت تراژدی است.تراژدی تقلید علمی است که کامل ،تمام و دارای طول معین باشد. زیرا ممکن است که چیزی کامل و تمام،از بزرگی بی بهره باشد.آن چیز را تمام گوییم که دارای آغاز و میانه و پایان باشد.آغاز آن است که ناگزیر، پس از چیز دیگر نیاید،ولی بالطبع پس از آن، چیز دیگری باشد.بالعکس،پایان آن‌ست که ناگزیر –ویا برحسب معمول- پس از چیز دیگری بیاید،ولی پس از آن چیز دیگری نباشد. میان آن است که پس از چیز دیگر بیاید و خود نیز چیز دیگری در پس داشته باشد. پس داستان خوب آن است که آغاز و انجامش، نه به دلخواه شاعر،بلکه مطابق با قواعدی باشد که گفیم،داستان اساس و روح تراژدی است و خلقیات در مقام دوم قرار دارد.»(***ارسطو***، 1381،ص 126)

در ***فرهنگ پنگوئن*** طرح این گونه تعریف شده است:

«در نمایشنامه ،شعر و یا داستان طرح عبارت از نقشه، نظم،الگو،شکلی از حوادث است. حوادث و کاراکترها طوری در طرح شکل می یابند که باعث کنجکاوی و تعلیق مخاطب می شود.از نظر زبانی طرح دارای سه زمان دستوری می باشد: چرا آن حادثه اتفاق افتاد؟چرا این ماجرا در حال اتفاق است؟آیا حادثه ای اتفاق خواهد افتاد؟» (ص513)

به طور کلی طرح ، تقلید اعمال آدمی است،اعمالی که شامل دو ویژگی باشند: اول جذابیت و دوم واقعیت نمایی،اعمال آدمی که نه خوب و نه بد باشد از دیدگاه ارسطو برای تقلید مناسب نیست. طرح به سوالات ذیل پاسخ می دهد:

1-کاراکتر محوری کیست؟

2-نیاز کاراکتر محوری چیست